

پیشخوان

فرهنگ روزآمدتر

■ شواهد انکارناپذیر تاریخی گویای آن است که ما ایرانیان از ملت‌هایی هستیم که دارای سابقه طولانی در فرهنگ‌نویسی هستیم.اگر از فرهنگ‌های پهلوی بگیریم، در دوره اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی – ایران قرون سوم، چهارم و پنجم – نمونه‌هایی در دست است که نشان می‌دهد ایرانیان همچنان که در علوم و فنون اقدامات برجسته‌ای داشته‌اند، در امر فرهنگ‌نگاری نیز اهتمام ورزیده‌اند. اما کار فرهنگ‌نویسی در طول قرن‌های اخیر دستخوش فراز و نشیب بسیار شده است. همچنان که در بسیاری از زمینه‌های علمی از کاروان جهانی عقب مانده‌ایم، در کار فرهنگ‌نویسی نیز که تابعی از آن زمینه‌های کلی است، پیشرفت چشمگیری نداشته‌ایم و با وجود چاپ و نشر تعداد زیادی از واژه‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها و دایره‌المعارف‌های تخصصی در ربع قرن، هنوز همچنان که باید و شاید به‌راهی از دست‌اوردهای این فن در جهان مدرن نبرده‌ایم. فرهنگ‌نگاری کاری است خطیر و فقدان تمهیدات علمی عبور از این راه پرپیچ و خم را سخت دشوار می‌کند. مولف کتاب، همواره سعی بر آن داشته است تا با تکیه بر تجارب گذشته در زمینه‌های نگارش فرهنگ‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل که در طول دو دهه گذشته تقدیم جامعه علمی کشور کرده‌است فرهنگ کنونی را تا سرحد امکان قلم‌خ از «بیماری‌های ژنتیکی» فرهنگ‌نویسی تدوین کند. در پی استقبال از «فرهنگ سیاسی آرش» مولف با افزودن بیش از ۴۰۰ اصطلاح رایج در ادبیات سیاسی، گام مهمی در پربارت کردن از فرهنگ سیاسی برداشته و با افزودن واژه‌نامه انگلیسی – فارسی آن را قابل استفاده‌تر کرده است. این انگیزه از آنجاست‌می‌شود که مولف خود عضو گروه واژه‌گزینی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. کوشش‌های مولف در روزآمد کردن بسیاری از اصطلاحات کاربردی ووقایع تاسال ۲۰۱۲تحصین‌برانگیز است، تصاویر کم‌ظنیر و دقیق و پر معنای پایان کتاب نیز بر زیبایی چاپ کتاب دوچندان افزوده است. این



کتاب در فرآیند رشد فرهنگ‌نویسی سیاسی در تاریخ فرهنگ‌نویسی ایرانی گامی بزرگ به طرف جلو محسوب می‌شود و در مقایسه با فرهنگ‌های مشابه خود از ویژگی‌های متمایز و یخ‌فردی از جمله «وصیفی و تبیینی بودن، روزآمدی و کاربردی، سیستم واژه‌یابی دو سویه، جامعیت اصطلاحات تاریخی و سیاسی، کوتاه‌نویسی، منابع و کتاب‌شناسی» برخوردار است. مولف که دارای تجربیات دیپلماتیک است توجه خاصی به معنای کاربردی واژگان در عمل سیاسی داشته‌است، در سال‌های اخیر کتاب‌هایی همچون «فرهنگ علوم سیاسی، فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل، فرهنگ تاریخی سیاسی ایران و خاورمیانه، تاریخ سیاست خارجی ایران، فرهنگ روابط بین‌الملل و تاریخ ارتش ایران» را به رشته تحریر درآورده و سه کتاب به نام‌های «لزش و حکومت پهلوی، تاریخ روابط آمریکا و شوروی و تاریخ سیاسی ایران» را نیز ترجمه کرده است.

برای مددکاران

■ جامعه‌شناسی حوزه بسیار گسترده‌ای است. این گستردگی هم در «ظریه‌ها» و هم در «مفاهیم»



جامعه‌شناسی خودنمایی می‌کند. داشتن اطلاعاتی حداقلی از این مفاهیم و نظریه‌های گسترده می‌تواند به یک مخاطب یا دانشجو حوزه جامعه‌شناسی کمک‌های شایان توجهی کند و او را برای مطالعات هدفمند آماده کند. کتابی تحت عنوان: «جامعه‌شناسی برای مددکاران اجتماعی» می‌تواند راهنمایی مفیدی برای علاقمندان و دانشجویان حوزه جامعه‌شناسی باشد. آن لولین، دیوید مرکر و لورین ایگیو مولفان این کتاب هستند و ترجمه این کتاب نیز برعهده خاتم فریده همتی بوده است. این کتاب به ۱۲ فصل تقسیم شده و بر نهادهای فرآیندهای اجتماعی مختلف و گروه‌های متفاوت متمرکز است. فصل اول این کتاب به تعریف مفهوم و کارکرد مسددکاری اجتماعی و همچنین اهمیت جامعه‌شناسی برای مددکاران اجتماعی پرداخته است. از فصل دوم تا پایان این کتاب به نظریات و مفاهیم جامعه‌شناسی اختصاص دارد. همچنین تمرین‌ها، نکته‌های توضیحی و مطالعات موردی مطرح شده در کتاب، بسیار مفید و کاربردی هستند. این کتاب با توجه به تاریخ انتشارش (سال ۲۰۰۸) می‌تواند اطلاعات نسبتاً به‌روزی را در اختیار مخاطب خود قرار دهد. در پایان کتاب نیز منابع گسترده، نشریه‌ها و شبکه‌های اینترنتی مفیدی معرفی شده‌اند.

«اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار» (نشر فرزنان روز) تازه‌ترین اثر تالیفی «لاکتر محمود سریع‌القلم» است که به واکاوی ریشه‌ها و پیامدهای اقتدارگرایی در ایران طی دو قرن گذشته اختصاص دارد و از ورای تحلیل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مردم و نیز بررسی نحوه به قدرت رسیدن حکومت‌های مختلف در ایران، به جست‌وجوی چرایی استبدادزدگی جامعه ایرانی و دلیل عقیم ماندن تلاش‌های نخبگان و اصلاح‌گران سیاسی و اجتماعی برای برون‌رفت از وضعیت اقتدارگراییانه پرداخته‌است.

نویسنده در این کتاب بی‌برده و صریح با مخاطبش سخن می‌گوید. معمولاً نویسندگان و روشنفکران ایرانی، کمتر نوک پیکان انتقاد را به سمت جامعه می‌گیرند و خصایل منفی آنان را برمی‌شمرند. آنها عموماً می‌گویند با نوعی مخالف‌خوانی و ضدیت با حاکمان، بیشترین تقصیر را در برقراری دیکتاتوری‌ها به حاکمان نسبت دهند و در صدی از نگاه‌رانیز متوجه بیگانگان و دخالت‌های خارجی کنند.دکتر سریع‌القلم اگرچه در این اثر از خشونت‌ها و خوی استبدادی حاکمان ایران از صفویه تا پهلوی درمی‌گذرد و از دخالت‌ها و تاثیرگذاری قدرت‌های جهانی در تثبیت دیکتاتوری ایرانی نیز به‌راحتی و بی‌انتقاد عبور نمی‌کند، اما قصد ندارد تنها روی همین مدار تکراری و باطل قدم بردارد. او در مقام یک تحلیلگر، این جسارت را دارد که در واکاوی رفتار و خصایل و آموزه‌های سنتی مردم ایران، به ابزار انتقادی متوسل شود و در علت‌یابی دیکتاتورخیزی سرزمین ایران، نه به قضا و قدر اکتفا کند و نه ژست حاکم‌کنشی و مخالف‌ت‌ورزی به خود گیرد. او حتی به‌صراحت عنوان می‌کند که تطابق لیبرالیسم با اسلام از زمان مشروطه تا امروز نتیجه‌ای دربر نداشته و آنها که داعیه آشتی این دو مکتب متناقض را می‌توانمدت از دارند، هیچ‌گاه در این راه موفق نشده و حتی با تقیه و عقب‌نشینی‌های مصلحت‌اندیشانه نیز نتوانسته‌اند موجب پیوند دموکراسی لیبرال با اسلام سیاسی شوند.

او نوشته خود را با این پرسش شروع می‌کند که چرا ایرانیان نمی‌توانند سیستماتیک و منظم ببندیشند؟ چرا نمی‌توانند کار جمعی کنند؟ و چرا نفع شخصی کوتامعدت را بر نفع جمعی درازمدت ترجیح می‌دهند؟ نویسنده با مرور بر تاریخچه سیاسی ایران در دوران صفویه، زندیه و قاجاریه، شیوه‌های خشونت‌بار برای رسیدن به قدرت و نحوه مشابه تغییر حاکمیت‌ها در ایران را ترسیم می‌کند و به این جمع‌بندی می‌رسد که هیچ‌گاه ایلات، گروه‌ها و جریان‌های رقیب در ایران، تحمل حضور یکدیگر را نداشته و جز به حذف و سرکوب دیگری نمی‌انداشیدند. گروه‌ها و ایلات

با به حوزه سیاست و روزمرگی‌های سیاسی که بگذاریم با رفتارها، کنش‌ها و اتفاقاتی روبه‌رو می‌شویم که گاهی نیاز داریم کسی آنها را برای ما تحلیل کند. «دنیای بی‌سامان» را اتفاقی یافتم. نیمی از آن را خواندم و بعد جدایی من بود با این کتاب. چیزی که مرا به خریدن کتاب جلب کرد تحلیل‌های ساده و قابل درک کتابی بود که به معضلات جهان می‌پرداخت و روایت زندگی جمعی نسلی از جهان بود که من بسیار به این نسل نزدیکم. پس شناختی که از جهان و اتفاقات آن می‌داد به نوعی شناخت از خود بود. «دنیای بی‌سامان» نوشته امین معلوف، نویسنده لبنانی است که سال‌هاست در فرانسه زندگی می‌کند. این کتاب، دغدغه‌های امین معلوف را در خود جا داده. دغدغه‌های جهانی بی‌سامان که هر روز بر بی‌سامانی‌اش افزوده می‌شود. پس سرنوشت این دنیا برای نویسنده کتاب اهمیت دارد و برای من خواننده نیز. من به عنوان خواننده با این اثر همراه می‌شوم و خودم را در این دنیا تصور می‌کنم و می‌بینم دارم در این جهان بی‌سامان زندگی می‌کنم و آرام‌آرام در حال فرسوده شدن هستم. این احساسی است که از خواندن این کتاب داشتم. این کتاب هم دنیا احساسی من خواننده را در گیر می‌کند و هم مرا به جهان خودش وارد می‌کند و دغدغه‌هایش را به من منتقل می‌کند. انگار می‌خواهد با تحت‌تاثیر قرار دادن احساسات خواننده، او را وارد دنیای واقعی اثرش کند و تاثیرگذار باشد.

امین معلوف در این کتاب، تاریخ، سیاست، اجتماع، جهان، محیط‌زیست و تقریباً همه چیز را نشانه رفته تا به ما نشان دهد دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم در حال فرسوده شدن است. و این زمان، زمانی است که «مدن‌هایمان فرسوده می‌شوند». معلوف بیشترین توجه خود را در این کتاب به جهان عرب و تاریخ پرفراز و نشیب آن در دوران معاصر معطوف کرده و در لولای مقایسه دنیای عرب با کشورهایی مانند ایران و ترکیه به تقابل این جهان با جهان غرب می‌پردازد. کتابی که به معضلات قرن بیستم و در پی آن قرن بیست‌ونکم می‌پردازد. نویسنده این کتاب معتقد است با آغاز قرن حاضر در عین حالی که جهان این اندازه پیشرفت کرده و دنیا به مدد تکنولوژی این‌قدر به هم نزدیک شده است به هیچ عنوان دنیای بسامانی نیست و همه چیز دست به دست هم داده تا جهان و تمدن جهانی را فرسوده کند. نابسامانی‌های قرن حاضر، جنگ‌ها و درگیری‌ها

کتاب

گزارشی از کتاب «اقتدار گرایی ایرانی در عهد قاجار»

قهوه قجری سر سفره مشروطه

جواد ماز اده

و جریان‌های قدرت‌طلب هیچ‌گاه تلاشی برای گفت‌وگو و تفاهم یا تقسیم قدرت نداشته و همواره با حذف یکدیگر به قدرت رسیده‌اند. این قاعده‌ای کلی در تاریخ قدرت‌گیری در ایران بوده است که نه‌تنها از تحمل و گفت‌وگو و مدارا در آن خبری نیست، که تنها حذف و قتل و سرکوب در آن راه داشته است. شاه‌عباس و مابقی شاهان صفوی رقبای خود را – حتی اگر فرزندان‌شان بودند- کور می‌کردند و به تبعید و قتلگاه می‌فرستادند. سلسله قاجار با به دست گرفتن قدرت، موجی از تسویه‌حساب‌ها و عقده‌کنشای‌ها را به راه انداخت و هر شاه قاجار روش خاص خود را در سرکوب و حذف مخالفان پیاده می‌کرد. مروری بر عملکرد آغامحمدخان، فتحعلی‌خان و… نشان می‌دهد که یگانه راه بسط قدرت و حفظ حاکمیت در ایران، حذف مخالفان و به‌کارگیری خشونت علیه آنها بوده است. حتی در مقاطعی رقابت‌ها و حسادت‌های درون دربار موجب امتیاز دادن مقامات به دولت‌های خارجی می‌شده تا به این وسیله از حمایت آنان برخوردار شوند و بتوانند رقیبان خود را در داخل از میدان به‌در کنند! نمونه آن جنگ دوم ایران و روس بود که حسادت «صدراعظم آصف‌الدوله» به «عباس میرزا» ولیعهد موجب کار شکنی در ارسال کمک به جبهه جنگ شد و عباس میرزا که دست بالا را در نبرد با روسیه داشته، از پشتیبانی‌های لازم محروم ماند و در نهایت به لشکر روسیه باخت تا عهدنامه ترکمانچای به ایران تحمیل شود. در واقع پیروزی روسیه در این جنگ علاوه بر قدرت ارتش روسیه، دلیل دیگری هم داشته و آن چیزی نبود جز کار شکنی‌ها و رقابت‌های داخلی در دربار ایران.

نویسنده کتاب معتقد است که حکومت‌های اقتدارگرایی که در ایران تشکیل می‌شدند قادر به کار سیستماتیک نبودند و اساساً نظام‌های اقتدارگرایبازی به کار سیستماتیک و ایجاد نظام‌های قانونی و ضابطه محصور نداشتند. حکومت اقتدارگرا، قائم به فرد –شخص شاهنشاه– است و همه باید در خدمت تصمیمات و خواسته‌های او حرکت کنند. در چنین سیستمی ایجاد محمل‌های قانونی محلی از اعراب نمی‌تند و همه باید از شخص شاه تعریف و تمجید کرده و

تاریخ تقریباً همه‌چیز

نگاهی به دنیای بی‌سامان «امین معلوف»

بها،الدین مرشدی

می‌داد.» (ص ۸۶) این فصل جریان این تغییرهای ناگهانی و مشروعیت‌هایی است که به نظر شروع می‌آیند اما در عمل و در طول تاریخ معلوم می‌شود که این مشروعیت‌ها در تاریخ گم می‌شوند. «رای آنکه دنیا به شیوای، کم‌ویش، مووزن و هماهنگ و بدون اختلال‌های عمده کار کند، در رس اکثریت ملت‌ها باید برقرار مشروع وجود داشته باشند.» (ص ۹۵) و می‌شوند اما با سیاست‌گذاری‌های اشتباه پیروزی‌هایشان فریبنده به نظر می‌رسد و به شکست منتهی می‌شوند. نمونه‌ای که در دنیای عرب تاثیر زیادی گذاشته و معلوف او را نمونه موردی این فصل و فصل بعدش قرار داده، جمال عبدالناصر مصری است. او با پیروزی‌ها و بازگردندن روحیه عربی و افتخار برای تشکیل حکومتی عربی در سرتاسر دنیای عرب در تالش است. اما مجموعه عواملی هستند که این آرزو و تلاش‌ها به ثمر نمی‌نشیند و عبدالناصر مصری شکست می‌خورد. طرح اتحاد

عربی شکست می‌خورد و سادات پس از او دنیای دیگری را پیشنهاد می‌کند، سیاستی دیگر و رفتاری دیگر. فصل دوم با عنوان «مشروعیت‌های گمشده» با نمونه‌ای شروع می‌شود که معلوف با آن می‌خواهد مشروعیت‌های قرن ۲۰ و بعد از آن را نشان دهد که به گفته خودش «گمشده» هستند. سال ۲۰۰۰ و انتخاباتی که منجر به پیروزی جورج دبلیو بوش شد، رای ایالت فلوریدا بود که نتیجه انتخابات را معکوس کرد و این پیروزی به نظر تاثیر بسیاری بر جهان گذاشته، پیروزی و مشروعیتی «گمشده» که رفتار جهان را دچار تغییر خواهد کرد. امین معلوف تاثیر این انتخابات را تا جایی می‌داند که «این رای فلوریدا جریان تاریخ را در کشور زلداگام لبنان تغییر



عهد قاجار نمادی روشن از یک ساختار استبدادی با مردمی استبدادزده و جاهل بوده است؛ ساختاری شخصی‌محور، زیر نفوذ بیگانگان، دارای فساد گسترده مالی و اداری، بی‌توجه به حقوق افراد، عدم پاسخگویی حکومت و سرکوب شدید آزادی‌خواهی. او معتقد است که تلاش طیف‌های میانه‌رو برای آشتی میان اسلام و لیبرالیسم به نتیجه‌ای منجر نشد و کوشش‌هایی هم که در راستای اسلامیزه‌کردن مدرنیته صورت گرفت، به علت وجود تناقض‌های عمیق این دو مکتب، عقیم و ناکام ماندند. اختلاف میان نخبگان سیاسی، فقدان ظرفیت تشکل‌سازی و اجماع میان مردم، مامن‌زدن به اختلافات و اصرار بر خواسته‌های شخصی، از جمله دلایل ناکامی نهضت مدرن مشروطه در برابر استبداد سنتی برشورده شده است. نویسنده سه عنصر کلیدی را در تلاوم استبدادزدگی جامعه ایرانی در عهد قاجار مهم می‌داند: وجود اقتصاد متمرکز مبتنی بر منافع شاه و درباریان، ساختار فرهنگی برآمده از اقتدارگرایی، ضعف در یادگیری از کشورهای موفق و مترقی.

در کنار این عوامل، دو عامل دیگر نیز واجداهمیت خوانده می‌شود؛ یکی توانایی نخبگان در حل و فصل تضادهای دین و مدرنیته (یا اسلام سیاسی و دموکراسی لیبرال) و دیگر کشف نفعت به عنوان منبعی لایزال برای تقویت اقتصاد دولتی و ممانعت از شکل‌گیری بخش خصوصی. گیاهان دیگری خواهد روید.» (ص ۱۵۲) شوروی، افغانستان، ویتنام، ایالات متحده آمریکا، اندونزی، انگلیس، مصر، ترکیه، فرانسه، ایران و… صحنه‌های درگیری‌های دختی امین معلوف هستند؛ دنیای بی‌سامانی که در همه جهات این بی‌سامانی را به نمایش می‌گذارد. اگر فصل نخست و دوم این کتاب، دنیای واقعی‌ای است که دهنده که خود در طول زندگی‌اش آن را تجربه کرده است اما فصل سوم، سازوکاری متفاوت نسبت به دو فصل پیشین دارد؛ فصلی که به آرزوهای امین معلوف در این جهان بی‌سامان پرداخته است؛ آرزوهایی از جهانی که خوب نیست و معلوف آرزوی بهبودی این وضعیت را دارد. فصل سوم «بقین‌های تخیلی» معلوف است، جایی که در آن راهکارها و تگرایی‌هایی را نسبت به جهان و وضعیت انسان‌ها، ابراز می‌کند. او در این فصل اظهار می‌کند: «قتی که کشوری در پژمردگی فرو رفته است، همیشه، می‌توان سعی کرد از آن مهاجرت کرد؛ وقتی که همه دنیا به پژمردگی تهدید شده‌است، گزینهای برای رفتن و زیستن در جای دیگر وجود ندارد. اگر نمی‌خواهیم، نه خومان و نه نسل‌های آینده، از واپس گرای تمکن‌کنیم، باید سعی کرد مسیر چیزها را تغییر داد.» (ص ۱۷۵) این پیشنهادهای معلوف در این فصل است؛ فصلی که پیشنهادها و نیز رویاهای نویسنده‌ای را در خود جا داده است که نشان می‌دهد دغدغه این دنیای به هر ریخته و بی‌سامان و اندوه تمدن‌هایی که آرام‌آرام در حالی نابودی هستند، آزارش می‌دهد و از اصطلاحاتی استفاده می‌کند که حاوی تآثر و اندوه او درباره ندنیاست. او «با دلی بر غرض، به لبنان، وطن زادگاه‌اش می‌اندیشد و با همین بار اندوه به کشورها و شهرهای دیگر.

رسیدن به بحران کنونی در جهان و راهای خارج شدن از آن چیزی است که کتاب «دنیای بی‌سامان» به آن پرداخته است و امین معلوف با دانستن همه این معضلات پیشنهادها و راهکارها و دغدغه‌های زیستی خودش را در این کتاب می‌آورد. «درباره مطالب این فصل، چون سایر فصل‌های کتاب، میان نگرانی مرط و امید در نوسانم…» (ص ۲۲۹) و همین آژنگ شدن میان نگرانی و امید صفحات این کتاب را به خودش اختصاص داده است. معلوف در «دنیای بی‌سامان» معتقد است تمام تهدیدهایی که جهان را نشانه رفته‌اند، می‌تواند به فرصت تبدیل شود. این کتاب، کتاب تهدیدها و فرصت‌ها از نگاه نویسنده و اندیشمندی عربی-غربی است.

نگاه

زاده‌خانه «عموسام» در پایگاه ۵۱

محمود فاضلی

■ ماجراهایی که در این کتاب نوشته شده است به صورت مستقیم و غیرمستقیم با یک پایگاه مخفی دولت آمریکا ارتباط دارد. نام این پایگاه مخفی، پایگاه ۵۱ است. نویسنده برای گردآوری اطلاعات این کتاب با ۲۴ نفر که با این پایگاه در ارتباط بوده‌اند مصاحبه کرده است. از این تعداد ۳۲ نفر در آن پایگاه زندگی یا کار می‌کردند و بقیه آنها نیز به گونه‌ای مستقیماً با آن در ارتباط بودند. پایگاه یادشده در نواحی غربی آمریکا در جنوب ایالت نوادا، در ۱۲۰ کیلومتری شمال شهر لاس‌وگاس قرار دارد. این پایگاه ۶۵ سال پیش پایه‌گذاری شده و از آن زمان تاکنون به تدریج گسترش یافته و بر دامنه فعالیت آن افزوده شده است. این پایگاه ناحیه وسیعی از منطقه جنوب ایالت نوادا که پایگاه ۵۱ قسمت کوچکی از آن است به دولت آمریکا تعلق دارد که از آن برای آزمایش‌های بمب‌های هسته‌ای خود استفاده می‌کرد. دلیل دیگر که چرا آن پایگاه در آن نقطه راه‌اندازی شد آن بود که سازمان جاسوسی آمریکا احتیاج به ناحیه‌ای داشت که در آنجا هواپیماهای جاسوسی خود را مورد آزمایش قرار دهد.

کل منطقه محافظت‌شده‌ای که برای آزمایش‌های هسته‌ای از آن استفاده می‌شد مساحتی برابر با ۱۱ کیلومتر بود. این منطقه در سال ۱۹۵۱ به دستور ترومن برای آن آزمایش‌ها در نظر گرفته شد و از آن زمان تاکنون تعداد ۳۳۳ بمب اتمی در آن منفجر شده و مورد آزمایش قرار گرفته است؛ ۸۲۸ انفجار زیرزمینی و ۱۰۵ انفجار در سطح زمین آن منطقه. آخرین انفجار آزمایشی در سال ۱۹۹۲ به وقوع پیوست. هیچ منطقه‌ای از کره زمین به اندازه خاک جنوب ایالت نوادا شاهد انفجارهای اتمی نبوده است. بررسی تاریخچه پایگاه ۵۱ بدون بررسی تاریخچه آزمایش‌های اتمی آمریکا ناممکن است. به همین دلیل، برای اینکه پس‌زمینه روشنی را راه‌اندازی پایگاه وجود داشته باشد در مورد چگونگی شروع پروژه‌های اتمی آمریکا توضیحاتی لازم به نظر می‌رسد. نکته‌ای



که این ماجراها را جلب می‌کند و شاید آن را به نظر خوانندگان تا حدودی تخیلی برساند، آن است که شایعات و مشاهدات و موضوع داغ شتاب پرنده یا یو-اف-۱۰ (UFO)، موضوع این کتاب گرچه خورده است، پروژه ساخت اولین بمب اتمی در آمریکا در سال ۱۹۴۲ آغاز شد. یعنی در سال‌هایی که جنگ جهانی دوم در جریان بود. پروژه ساخت بمب اتمی کاملاً سری و محرمانه بود. روزولت رئیس‌جمهور وقت آمریکا خود شخصا دستور راه‌اندازی آن پروژه را داده و دستور داده بود که او را لحظه به لحظه تا پیشرفت کار آن پروژه باخبر نگه دارند. روزولت چهار ماه پیش از آنکه آزمایش اتمی آمریکا با موفق کامل انجام شود، در گذشت و خود شاهد آن پیروزی نبود، ولی آن افتخار را نصیب جانشین خود یعنی معاونش هری ترومن کرد. هزینة آن پروژه با احتساب نرخ تورم ۲۸ میلیارد دلار امروزی می‌رسد. سرانجام زحمت بی‌اسان کارکنان آن پروژه در روز ۱۶ جولای سال ۱۹۴۵ به نتیجه رسید و آمریکا اولین بمب اتمی خود را در جنوب ایالت نیومکزیکو با موفق کامل منفجر کرد. در لحظه‌ای که خبر آن دست‌نورده به رئیس‌جمهوری آمریکا رسید او در حال برگزاری جلسه‌ای با تعدادی از نمایندگان کنگره بود. در زمانی که یکی از نمایندگان مشغول صحبت بود، معاون مشاور علوم کابینه‌ش وارد اتاق شد که آن خبر مهم را به او دهد. وی آرام به سوی ترومن رفت و در گوش او این جمله را گفت: «آقای رئیس‌جمهور، دیگر لازم نیست که در مورد نتیجه جنگ با ژاپن نگران باشید. آزمایش‌اتمی با موفق به پایان رسید» لیخندی در کوششیدن آن خبر در ترومن نقش بست، نشان‌دهنده اهمیت آن پروژه برای او بود.

در لحظه‌ای که در آن جلسه آن خبر به رئیس‌جمهور آمریکا داده شد، هیچ یک از نمایندگان حاضر در آن از وجود آن پروژه کوچک‌ترین اطلاعی نداشتند. حتی خود ترومن تا چهار ماه پیش، تا زمانی که معاون روزولت بود از آن خبر نداشت و این نشان‌دهنده آن است که آن پروژه تا چه حدی محرمانه بوده است. ده‌ها هزار نفر به صورت مستقیم یا غیرمستقیم روی آن پروژه کار می‌کردند ولسی کار روی آن پروژه آن گونه طراحی شده بود که هیچ بخشی از کار بخش دیگر اطلاعی نداشت و هیچ کدام نمی‌دانستند که کار خوششان به چه خدمتی و به چه مصرفی می‌رسد. تنها تعداد محدودی بودند که از اصل موضوع اطلاع داشتند. پروژه منتهت ۸۰ مرکز دفتری و ده‌ها مرکز تحقیقاتی در سراسر آمریکا داشت. موضوعاتی همچون «عممای پایگاه ۵۱، تصور حمله موجودات فضایی به کره زمین، پایگاه سری، بزراهی یک توطئه، احتیاج به دانستن، تصادف اتمی، موش و گربه‌بازی تبدیل به سقوط شد، محکم‌کاری‌ها در پایگاه، معجزه علم و دینی‌مادسی، هواپیماهای باورنکردنی، پنهان کردن پنهان، فاجعه در کویر، کلوب مردان نترس، میگ‌های پایگاه، سوانح اتمی، شایعات ساختگی سفر آمریکا به ماه و ماجراهای زنجیره‌ای تاریخی» از مهم‌ترین بخش‌های این کتاب ۳۶۹ صفحه‌ای است.